# ما را گفت و گویی در میان است

شماره پرسش: ۴۱۹۸۸

تاریخ ارسال پرسش: ۰۴:۵۰:۲۲ ۱۴۰۵/۴/۱۷

## متن پرسش

سلام علیکم: مجدداً بر حضرت استاد طاهرزاده تا همین‌جا خیلی مصدع شدم و همان‌طور که فرمودید این بحث دامنه‌دار و مفصل است. با این حال با توجه به اشتراک حداکثری در مبانی فکری و قرابت فکری با مخاطبان حضرت عالی، بنده مناسب دیدم با ذکر برخی دیگر از یافته‌هایم در عالم جزئیات و صغرویات بحث را ادامه دهم چون سخت معتقدم بدون شناخت عالم جزئی و عینی، بصیرت‌های کلی ضامن توفیق و گشایش نیست الا ما رحم ربی. چارچوب تحلیلی استاد گرامی متشکل از اصولی چون توجه دادن به افق حیات معنوی متعالی برخاسته از لایه‌های عمیق معارف دینی است که اغلب چهره‌ها و پیروان انقلاب از آن غافل یا جاهل هستند. تأثیر حیات‌بخش و نجات‌بخش لمس این معارف آنچنان است که استاد گرامی مدارای سیاسی با جریان غربگرا را برای ظهور یک اجماع معرفتی جدید برای عبور از غرب و غربگرایی توصیه می‌کنند. این خلاصه آن‌چیزی است که بنده از مجموع تألیفات و فرمایشات شما در این سال‌ها برداشت کردم و در این مختصر قابل بیان است. حالا بنده این تجویز کلی و کل‌نگر و آینده‌گرایانهٔ جناب استاد که با چاشنی خوش‌بینی عرفانی و مهدوی همراه است (و قطعا بی‌وجه نیست) را در کنار شناخت جزئی میدانی خود از گذشته و اکنونِ کارنامهٔ حکمرانی فاجعه‌بار نظام و ارگان‌هایش می‌گذارم که شدیداً متأثر از فعالیت شبکه گسترده و مرتفع و عمیقِ نفوذ بوده که پیشاپیش امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شکل‌گیری هر اجماع معرفتی انقلابی را نیز از بین برده است! این بحث بسیار مفصلی است اما اجمالا برخی سرفصل‌های کلی آن را ذکر می‌نمایم. این مطالب را به طور مفصل‌تر در کانالم در ایتا @criticalknowledge توضیح داده ام. ۱. سابقه فعالیت شبکه اطلاعاتی ناتو (خاندان ریپورترها) و شبکه زیتون (خاندان عالیخانی) در نظام سیاسی ایران قبل و بعد انقلاب با نظر به تحقیقات محققینی چون عبدالله شهبازی و پیام فضلی‌نژاد. مطالب در کانال با هشتگ #شبکه_زیتون قابل دسترسی است. در ادامه نمونه‌های مهم از کارنامهٔ نیرنگ‌آمیز و خونین این شبکه را در جمهوری اسلامی ذکر می‌کنم. ۲. دستکاری و جرح و تعدیل در نیروی انسانی نخبه و فکور در جمهوری اسلامی از طریق: ۲.۱. قتل نخبگان انقلاب (مطهری و بهشتی): دلایل: نقش عامل اطلاعاتی ناتو از فرانسه در تشجیع گودرزی به ترور شهید مطهری؛ ۲.۲. شواهد فعالیت شبکه اطلاعاتی ناتو و شبکه زیتون در پوشش مجاهدین خلق طبق الگوی عملیات گلادیو در ایتالیا که ترورهایی چون ترور شهید بهشتی و دیگران به اسم گروه‌های چپ تمام شود و نه سرویس‌های غربی. نتیجهٔ فرعی: مشروعیت‌زدایی از ایدئولوژی چپ با هدف اعاده هژمونی لیبرال. ۲.۳. تماس برقرار کردن با چهره‌های سیاسی طرفدار سازش چون هاشمی و روحانی در ماجرای مک‌فارلین ضمن ایجاد روابط

سازمانی مخفی و حمایت سیاسی از آن‌ها با هدف تغییرات اساسی ضدانقلابی در سیاست‌های پسا-خمینی. کد خاص: شبکه زیتون اسرائیل واسطه مذاکرات هاشمی-روحانی با دولت نومحافظه‌کار یهودی ریگان است. منوچهر قربانی‌فر از اعضای این شبکه است. ۲.۴. انزوای اجباری نخبگان انقلابی باقی‌مانده برای حذف موانع تجدیدنظرطلبی ضدانقلابی: نمونه‌ها از دیروز: انزوای سید مرتضی آوینی و سید عباس معارف و داوری اردکانی بعد از جنگ. نمونه‌های اخیر: تبلیغات عجیب دایر بر دروغ و هتاکی در فضای رسانه‌ای و مجازی علیه چهره‌های سیاسی نخبه انقلاب مانند احمدی‌نژاد، جلیلی، حسین شریعتمداری، فؤاد ایزدی، رسایی، ثابتی، صمصامی، جبرائیلی و ..... شاهد: در برخی از اکانت‌های هتاک به نخبگان انقلابی، سوابق قضایی و امنیتی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد آلت دست شبکه نفوذی در دستگاه اطلاعاتی و قضایی شده‌اند ۲.۵. شاهد خاص برای اینکه یک برنامه سازمان‌یافته تحت هدایت شبکه اطلاعاتی دشمن برای استحاله فکری نخبگان در جریان بوده است: سیل ترجمه کتب اندیشه سیاسی لیبرال بعد از انقلاب به دست عزت‌الله فولادوند فرزند یکی از عوامل بلندپایه رژیم سابق در وزارت نفت که پایگاه منافع کنسرسیوم بود و سابقه همکاری فولادوند با انتشارات بهایی قبل انقلاب. (منبع: ارتش سری روشنفکران، پیام فضلی نژاد) ۲.۶. برکشیدن چهره‌های فکری نفوذی مؤتلف با طبقه حاکمه غرب در نظام دانشگاهی و تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی با هدف استحاله فکری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و دادن مشورت‌های استعماری به مسئولین بلندپایه. نمونه خاص قابل اثبات: محمود سریع‌القلم با روابط سازمانی نزدیک و واضح با شبکه اندیشکده‌های خاندان راکفلر (داووس، بیلدربرگ، کارنگی) و دیدار شخصی (طبق اعتراف خودش) با دیوید راکفلر ملعون که مؤتلف آمریکاییِ بزرگِ خاندان یهودی روچیلد اروپایی، مؤسسین اسرائیل هستند. ۳. بسیار مهم: توطئه‌های ترکیبی شناختی-امنیتی برای بی‌آبرو کردن جریان انقلاب و حزب‌اللهی و اثبات عینی تبلیغات ناتوی فرهنگی دایر بر اندیشه لیبرال جدید و دال بر بدعاقبتی ایدئولوژی‌های آرمان‌گرا: ۳.۱. قتل‌های زنجیره‌ای با عاملیت نفوذی بلندپایه شبکه زیتون، سعید امامی، بهایی و یهودی مخفی متظاهر به اسلام و تقوا در وزارت اطلاعات. ۳.۲. حادثه کوی دانشگاه با آلت فعل کردن برخی جوانان حزب‌اللهی و هدایت آنها به داخل کوی و ضرب و شتم دانشجویان کوی با زنجیر و میل‌گرد!! (این جنایت نه توجیه دینی داشت نه توجیه سکولار سیاسی یا امنیتی. دانشجویان معترض به قتل‌های زنجیره‌ای و بستن روزنامه سلام بعد از یک تظاهرات مسالمت‌آمیز در بیرون کوی با شعارهای نه چندان تند، به کوی برگشته بودند و داشتند می‌خوابیدند!). ۳.۳. این دو حادثه مشکوک عجیب که علی الظاهر به دست نیروهای حزب‌اللهی انجام شد موجب طلاق عاطفی و فکری گسترده و دائم جامعه دانشگاهی و فعالین سیاسی و رسانه‌ای با نظام ولایت فقیه و جریان انقلابی شد و تصویر ناتوی فرهنگی از انقلاب دایر بر آرمان‌گرایی سرکوب‌گر، وحشی و متحجر را جا انداخت. با این حال، این همه، حاصل طراحی و هدایت شبکه زیتون بود با حضور جدی در وزارت اطلاعات کشور! یکی از واکنش‌های سیاسی بزرگ موارد ۲.۵ و ۳، ظهور جریان تجدیدنظرطلب اصلاحات بود که به آرمان‌های انقلاب پشت کرد و تا امروز

بر کشور حاکم است. ۴. ترویج سیستماتیک فساد مالی در بین مسئولین برای نمک‌گیر کردن آن‌ها و امکان کنترل و تأثیرگذاری بر آن‌ها. شاهد عام: سونامی عجیب فساد در نظام برآمده از انقلاب اسلامی و ولایت فقیه. شاهد خاص: افشاگری‌های آقای احمدی‌نژاد از حضور شبکه زیتون در وزارت اطلاعات و نقش آن در ترورها و سرکوب‌ها و شورش‌ها و مفاسد مالی مسئولین:

https://eitaa.com/criticalknowledge/۲۷۴۴

https://eitaa.com/criticalknowledge/۳۳۳۰

https://eitaa.com/criticalknowledge/۶۲۵۲

۵ https://eitaa.com/criticalknowledge/۶۲۸۶. از دهه ۱۳۸۰ با ظهور موفقیت‌های فوق‌العاده نیروهای نظامی در عرصه موشکی و منطقه‌ای شبکه زیتون اقدامات ترور گسترده خود را علیه دانشمندان و سرداران آغاز کرد. ترورها به راحتی با توجه به حضور شبکه در وزارت اطلاعات و دسترسی به تمام اطلاعات محرمانه کشور صورت می‌گیرد. آقای احمدی‌نژاد در این باره مطالب خاصی را افشا کرده است در همان لینک‌های بالا. ۶. از دستکاری شبکه در اندیشه اقتصادی پساجنگ نیز بگذرم. اجمالاً اشاره می‌کنم به برنامه تبادل دانشجوی گروه اقتصاد شریف تحت ریاست مسعود نیلی با دانشگاه شیکاگو (متعلق به خاندان راکفلر) که جالب‌ترین خروجی آن مدنی‌زاده وزیر اقتصاد فعلی است! ۷. در رابطه با جزئیات عملیاتی، احتمال جدی استفاده از پرستوهای موساد برای مسئله‌دار کردن مسئولین مانند پرونده جفری اپستین وجود دارد. کد جالب: جفری اپستین با عدنان قاشقچی از دست‌اندرکاران معاملات ایران-کنترا ارتباط داشت و از نقش شبکه زیتون اسرائیل نیز در مذاکرات مک‌فارلین پیشتر گفتم. ۸. لذا شبکه زیتون اسرائیل و شبکه اطلاعاتی ناتو از انگلیس (تحت هدایت روچیلدها) با یک دستکاری گسترده در نظام سیاسی و اندیشه‌ای کشور از طریق عملیات‌های ترکیبی شناختی-امنیتی، ترورها، حذف یا انزوای چهره‌های نخبه انقلاب و برکشیدن متفکرین وابسته استعماری، نظام را به قهقرا برده است. ۹. نتیجه نهایی اینکه بدیهی است رسیدگی به این هیولای امنیتی نفوذ و فریب‌خوردگان و وابستگان و آلت دست‌های مستقیم یا غیر مستقیم آن (مانند پزشکیان و قالیباف)، خیلی با بحث‌های اندیشه‌ای و فلسفی ممکن نیست. شبکه نفوذ با امکانات سخت‌افزاری و عواملش، اصولا اجازه شکل‌گیری دیالوگ‌های معرفتی که موجب تنبه جریان روشنفکری شود را نمی‌دهد و به افرادی که توان دیالوگ معرفتی دارند نیز میدان نمی‌دهد. عاقبت خونین شهید مطهری و بهشتی و عاقبت شاگردان مرحوم فردید شاهدی بر این امر است. اگر راه معرفتی ممکن باشد تنها با افشای تاریخ ناگفته عملیات پیچیده شناختی شبکه نفوذ مسیر است که آن هم اغلب با استنکار و انکار جریان روشنفکری/اصلاحات تحت عنوان تئوری توطئه مواجه می‌شود. حملات عجیب به صدا و سیما برای حذف آخرین پل ارتباطی جامعه فکور انقلابی با عامه مردم در این راستا است. انگ تندرو زدن به چهره‌های نخبه انقلاب نیز در همین راستا است. ۱۰. نتیجه نهایی: بدون رسیدگی پژوهشی و عملیاتی به نقش گسترده شبکه نفوذ در شؤون مختلف نظام و کشور، دیالوگ‌های معرفتی

و فلسفی به تنهایی بسیار بعید است تحولی در تفکر سیاسی غالب کشور ایجاد کند. چنانکه قبلا عرض شد بنده در کوتاه مدت نیز برخود انتقادی جدی با جریان وفاق که متأثر از تفکر استعماری و شبکه نفوذ است را ضروری می‌دانم چون دقیقاً در راستای نجات اسرائیل و فرصت دادن به دشمن برای طرح‌های براندازانه بعدی عمل می‌کند. عذرخواه از تصدیع و تشکر از حسن توجه استاد ربانی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همانطور که در https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۱۲۴ عرض شد ما را گفت و گویی در میان است بدون آنکه بنده بخواهم امری را به جناب عالی و امثال جناب عالی آموزش دهم .

نمی‌دانم باید سبکی که ما در جهان باید حاضر شویم را مدارای سیاسی بنامیم یا تذکر به افقی که بشر جدید در معنای خود سخت بدان نیاز دارد. مطالب آقای فضلی نژاد و مطالب مربوط به آن نگاه را سال‌های گذشته دنبال می‌کردم و البته مهم افقی است که از طریق انقلاب اسلامی در مقابل مردم ما گشوده شد و در این راستا بسیاری از نقشه‌های جریان‌هایی که متذکر شدید به طور طبیعی خنثی شد و ملاحظه فرمودید که چگونه افراد و جریان هایی که نام بردید به حاشیه رفتند به همان معنای عبور از آنها در عین آگاهی کلی از نقشه آنها که رهبر شهیدمان تحت عنوان تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی به طور معجزه آسایی انقلاب را از آن نقشه‌های بسیار پیچیده عبور دادند و حال ما بودیم که با حضور انقلابی مردم آنان را در میدان انفعال هرچه بیشتر مجبور کردیم تا با ناشی‌گری‌های هرچه بیشتر جایگاه خود را خراب و خراب‌تر کنند هرچند تا آنجایی نفوذ داشتند که گویا آن رهبر شهید فرموده باشند حتی در پشت اتاق من هم جاسوس هست و عجیب است که ما را حضور دیگری در این تاریخ به میان آمده که اگر بر آن تاکید نماییم همانطور که اسلحه‌های آن‌ها با همه آن قدرت کاری از پیش نبرد سایر فعالیت‌های آنان با همه پیچیدگی هایش کاری از پیش نمی‌برد مشروط بر آنکه بر افق قدسی و تمدنی خود بسیار حاضر باشیم آنطور که آن رهبر شهید بر آن تاکید داشته‌اند اینجا است که باید بر مسیر اصلی انقلاب اسلامی تاکید شود وگرنه همانطور که متذکر شده‌اید امثال آقای احمدی نژادها با روبرو شدن با آن باندها گمان می‌کنند که انقلاب در همین محدوده‌ها متوقف می‌شود و به جای آنکه همانند آن رهبر شهید سعی کنند با روحی که در کلیت نظام و انقلاب دمیده می‌شود جهت‌گیری مردم ما را به سویی ببرند که هزاران حججی‌ها و حاج قاسم‌ها به میان آیند که گوششان بدهکار آن جریانی که متذکر آن هستید نباشند، امری که بنده نیز در طول زندگی خود آن را تجربه کرده‌ام. راستی اگر آقای احمدی نژاد ذیل آن رهبر شهید خود را ادامه می‌داد بهتر بود و یا اینکه راه دیگری را دنبال کرد و نتیجه آن بی‌ثمری شد با آن همه استعداد؟ چه شد که آقای احمدی نژاد با روبرو شدن با آن جریان‌های فاسد که به نام‌های مختلف در انقلاب نفوذ کرده بودند خود را باخت؟ آیا به جهت عدم درک حضور تاریخی انقلاب اسلامی نبود که کلیات موضوع را متوجه نشد؟ اینجا است که

اجازه دهید باز تاکید شود آری صغرویات در جای خود مهم است ولی به جای مشغول شدن به آنها باید با تاکید بر جایگاه قدسی و تمدنی انقلاب اسلامی به طور معجزه آسایی از آنها عبور کرد. تجربه بنده که بیگانه نسبت به انقلاب و به جهت مسئولیت‌های اجرایی که داشته‌ام نسبت به آنچه فرمودید نیستم، تاکید بر آن دارم که به حضور نرم انقلاب اسلامی بسیار باید بیندیشیم تا آنجایی که ملاحظه فرمودید چگونه عراقی که صدام حسین از آن خود می‌پنداشت و آنگونه به ما حمله کرد امروز این چنین به استقبال رهبر شهید آمدند و این است جایگاه ما برای عبور از همه صدام حسین های داخلی با حضور مردمی که در دل اجتماع شب‌ها در میادین و حضور در آن تشییع فوق العاده ما نه تنها از اقتصاد لیبرالی عبور می‌کنیم حتی مطمئناً نظام اداری فردای ما نظام سیطره بروکراسی نمی‌باشد https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۱۲۷ و البته نظر بنده نسبت به آقای قالیباف با نظر جناب عالی متفاوت است و همین جا است که اگر تمدنی بیندیشیم به جای حضور در تاریخ ردّ و یا قبول افراد سعی بر فهم و نگاه آنان خواهیم داشت و به آینده‌ای نظر می‌کنیم که در رابطه با آن آینده رهبر شهید مان فرمودند: «اگر ایران‌دوست هستید، یکی از علائم و شاخص های ایران‌دوستی شما این است که امیدآفرینی کنید؛ اگر یاس‌آفرینی کردید، نمی‌توانید بگویید ایران‌دوستید. شاخصِ عمده‌ی ایران‌ستیزی یاس‌آفرینی است، امیدسوزی است، القای ناتوانی است، القای بن‌بست است؛ اینها شاخص های ایران‌ستیزی است.» ( ۱۴۰۱/۰۸/۲۸). با آرزوی توفیق برای جناب عالی و احترام به دغدغه‌های ارزشمندتان. موفق باشید